

# حقیقت

۷۳

شماره ۲۳۵ ۱۰ خرداد ۱۳۵۸

## در این شماره :

فلاحی مزدوری که در فکر کودتاست ..... ص ۸  
 زندگی کن کرد و کردستان ..... ص ۸  
 زندانیان سیاسی دانشگاه  
 بابت آزادگردند! ..... ص ۶  
 توطئه علیه معلمین آقا و مبارزان  
 را در هم شکنیم ..... ص ۶

## سائگرد ۱۵ خرداد را گرامی بداریم و توطئه نیروهای ضد انقلابی را خنثی کنیم

## بر حمایت خود از کردستان مقاوم بیافزائید

ودهات مختلف کردستان زیر  
 آتش مرگبار رهایی کوبیترها ،  
 فانتومها و غمبارها های ارتش ،  
 خانه و کاشانه خویش را تسرک  
 کرده ، آواره ، دشت و بیابان  
 میشوند . ارتش و پاسداران  
 سر مست از " فتح " سنجندج ،  
 به یورش ضد انقلابی خویش  
 افزوده اند و از قرار سرتزرا به  
 " فتوحات " خود افاضه  
 کرده اند . در سنجندج پیگردو  
 دستگیری و شکنجه را عمام  
 مبارزین ادامه دارد و محاسن  
 مره اقتصاد می همه شهرهای  
 کردستان با شدت تلمذ دنبال  
 میشود . بنظر میرسد که با  
 " فتح " سنجندج ، دست  
 جنگ امروزان قوی تر شده  
 و آنطور که از بیام های آیت  
 الله منتظری وقدوسی و  
 رجز خوانی های خامنه ای بر  
 می آید ، خیال آتش بسس و  
 صلح ندارند و گمان کرده اند  
 که قدم به قدم همه چیز را " فتح "  
 خواهند کرد . پس باید بیسه  
 فعالیت خود در حمایت از  
 خلق دلاور کرد را افزوده و از  
 همه جهات به یاری آنها  
 شتافت . (بقیه در صفحه ۴)

مرکز مقاومت در برابر  
 جنگ تعمیلی کردستان ، از  
 سنجندج به بهانه وسرد شست  
 منتقل شده و اینک تبر دستخشی  
 در این منطقه و بیوز بهانه در  
 جریان است . ارتش و پاس  
 داران کماکان به تقویست  
 مواضع خویش مشغولند و ستون  
 پشت ستون به کردستان اعزام  
 میگردد . بمباران ها کما  
 کان ادامه دارد و مردم شهرها

چیز را نشان داد و آن اینکه  
 از طریق معاشات و سازش  
 جوشی با رژیم پهلوی ، نمی  
 توان حق خود را گرفت .  
 سالهای ۲۲ - ۲۲ ، سالها  
 غلبه می های سازشکارانه بر  
 جنبش مردم ما بود . احزاب  
 (بقیه در صفحه ۴)

با روز قیام شکوه مندو  
 خونین ۱۵ خرداد ۱۳۲۲ فرا  
 رسیده و با آن اوربست از حماسه  
 بزرگ مردم ما بر علیه رژیم  
 غدار محمد رضا شاه ۱۵ خرداد ،  
 با آن ۱۵ هزار شهید و هزاران  
 مجروح ، یادآور یکی از  
 بزرگترین جنایات رژیم  
 پهلوی و زنده کننده خاطر  
 قیامی است که راه گشایی  
 انقلاب دوم ایران گشت .  
 ۱۵ خرداد ، از آن جمله  
 رویدادها شست که مسیر  
 تکامل جامعه ای را تعیین  
 کرده و تکانهای بزرگی را  
 بدیدمیا ورد و بر تاریخ کشور  
 چنان مبری را میکوبد که  
 هیچگاه پاک نخواهد شد .  
 ۱۵ خرداد به انقلاب ما یک

## آنقدر شور بود که . . . .

دست و پا بوسی های " شاهانه "  
 میانداخت . فخرالدین  
 عجازی "نما بنده" اول تهران  
 که درس چابونی و تعلق و  
 نوگرمنشی را در پیشگاه شاه  
 و ساواک و آمریکا آموخته  
 است ، آنقدر تعلق گفت و  
 چابوسی کرد که حتی صدای  
 اعتراض آیت الله خمینی  
 را نیز برانگیخت . او  
 دزخیان خود آیت الله  
 خمینی را با صفاتی چسبون  
 " قاشدا " ، " رهبر " ،  
 (بقیه در صفحه ۵)

در جریان دیدار شما  
 بنندگان مجلس با آیت الله  
 خمینی ، ملت ایران شاهد  
 صحنه های بودند که پیشک  
 هر بیننده و شنونده ای را به  
 یاد دوران سیاه محمد رضا  
 شاه و مجالس " سلام " و

توطئه علیه معلمین آگاه  
 و مبارزان را در هم شکنیم !  
 صفحه ۶

## سالگرد ۱۵ خرداد

(بقیه از صفحه اول)

بسیاری از سردمداران حکومت کنونی، در آن سالها نیز چسبون امروز سازشکاری را پهنه کرده بودند. شعار "نهضت آزادی"

و دستجات وابسته به بورژوازی ملی ایران که مردم ما کفار و ممالکات جوشیها پشان را بسا خون خود در گودنای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ برداختند، در این سالها همچنان همان کسور راه رفرمستی گذشته را پیمودند و در شرایطی که تحت تاثیر وضع و خامت بار اقتصادی و سخت شدن سلطه رژیم پهلوی و بالا گیری مبارزات خود جوش مردم، اوضاع فاسادی برای نابودی رژیم فراهم گشته بود، با شعار "شاه باید سلطنت کند و نه حکومت" و "اصلاحات آری، دیکتاتوری نه" با همپیمان گذاشتند و کوشیدند تا مبارزات مردم ما را نیز بدنبال این شعارها بکشانند. جریاناتی چون "جبهه ملی" و "نهضت آزادی" در آن سالها میخواهند تا شاه پارلمانی بکشاید و در آنها نیز چند کرسی دهد و در نتیجه بجای مبارزه انقلابی برای برانداختن رژیم، شعارشان "انتخابات آزاد" بود. ۱۵ خرداد، هر همه این باوه کوشیها خط بطلان کشید و به جنبش دموکراتیک و فدا مهربا لیستی ما آموخت که در مقابل رژیم این چنین مرتجع و وابسته و تابدندان ملخ، سخن از "اصلاحات" و "آزادی" را نندن و دوری جستن از مبارزه انقلابی، جز خیانت و ممالکات و سازشکاری هیچ نیست.

کاران جدا ما هستند و این جدا شی و جمعی بندی سرآغازی شد برای جنبش نوین انقلابی خلق. از این رو قیام ۱۵ خرداد ۱۳۳۲ را باید نقطه عطفی در تاریخ مبارزاتی و انقلاب ملت ما بحساب آورد.

امروز پس از گذشت ۱۷ سال از آن قیام پیرشکوه و پس از پیش از یکسال و نیم از قیام بهمن ماه ۱۳۵۲، شاهد آن هستیم که بسیاری از همگان نیروهای که هزاران شهید ۱۵ خرداد، با خون خود در محکومیت سازشکاری و ممالکات جوشیها پشان را امضاء کردند، میوه های قیام بهمن ماه را بفتح خود چیده و همان راه و روش گذشته را احیاء نمودند و بیشتر مانده برای گذشته مهر نشاید نیز میگذارند. بازگان، آن دوره را زیر عنوان سیاست "گام به گام" توجیه میکنند و مراجع و روحانیون سازشکاران را نیز "تقیه" در آن سالها مجازی مکار، مبلغ غلطی "اصلاحات شاهانه" بود و در روزنامه ها به نفع "رفراندم شاه و ملت" قلم میزدند و از مردم تقاضای "رای آری" نمودند و امروز بعنوان "نماینده" اول تهران، برای نیروهای مشرفی و انقلابی شاخ و شانه میکشند و بر علیه انقلاب توطئه می چینند. بهشتی در آن سالها موجب بگردد ربا رسید و بعد نیز در شرایطی که همه مبارزین و منجمله آیت الله خمینی تحت پیگرد بودند، با خیال راحت با سپورتنش را از ساواک گرفت و به ها مبورگ رفت و در عرصه جدیدی به همان خدمات گذشته پرداخت و امروز در راس حزب معلوم الحال "جمهوری اسلامی" و دنیوان عالی کشور، و "شورای انقلاب" ما هراسه

در خدمت به اربابان گذشته نقش بازی میکند. گفتیم که ۱۵ خرداد ۴۲ برای مردم ما و جنبش ما بسک درس داشت و آنهم خط بطلان کشیدن بر همه راههای سازش کارانه و همه نیروهای سازش کار و ممالکات جو، اما امروز پس از گذشت ۱۷ سال میبینیم که بسیاری از همان کسانی که در آن زمان بدرستی طرد شدند، بر مسند ممالکات و وزارت و وکالت نشسته اند. اگر سالهای ۴۲ - ۴۹ سالها ممالکات بار رژیم پهلوی بود، امروز که این رژیم به لطف مبارزات مردم و قیام بهمن ماه ۵۷ سرتگون شده است، همان راه و روش در برابر امپریالیسم آمریکا و نهادها و نیروهای بازمانده از رژیم گذشته تکرار میکنند. پاس داری از خون شهیدان ۱۵ خرداد، طلب میکنند که یکبار دیگر و اینبار برای همیشه دست رد بر سینه این سازش کاران و فدا انقلابیونی که بدروغ خود را وارث شهیدان سیاسی انقلاب از وجودشان پاک کرده. امروز همان کسانی که در ۱۵ خرداد ۴۲ در کنج خانه های پشان خیزیده بودند، همان کسانی که با ممالکات گری راه را برای پورش ارتش شاه و کشتار پیش از ۱۵ هزار نفر آماده ساختند، همان کسانی که با دربار سر علیه روحانیت مبارز و جنبش مردم دست به یکی کرده بودند، همان کسانی که شهیدان ۱۵ خرداد با خون خود سند محکومیتشان را امضاء کردند، همان کسانی که در تدارک توطئه شومی بر علیه انقلاب و نیروهای انقلابی هستند و میخواهند تا بقیه در صفحه ۳

هوشیا ره بود. در حالی که ساواکیها به لطف "ملو امام" آزاد شد و راست راست میگردد. نده، تطفیه ضد انقلابی نیروهای مترقی در ادارات و فرهنگ و

## سالگرد ۱۵ خرداد

(بقیه از صفحه ۲)

ارتش بالا گرفته و خیال دارنده که یک "انقلاب فر-هنگی" به همان سبکی که با کشتن دهها دانشجو و مجروح ساختن هزاران نفس در دانشگاه ها انجام دادند، در این مراکز نیز صورت دهند. لیستی که ساواک در دوران پختیار تهیه کرده و شامل نام و نشانی بین ۴ تا ۶ هزار نفر از مبارزان و انقلابیون میباشد، در دوباره علم کرده اند و "شنا مانی" عناصر صرمسارز و انقلابی بالا گرفته است. موج دستگیری ها افزایش یافته و بسیاری از جوانان را به "جرم" فروش نشریات مترقی و انقلابی بزنند. انداخته اند. اینها و دهها نمونه دیگر، همه نشان دهنده تدارک توطئه شومسی است که صحبت انجامش را کرده اند. شک نیست که به منظور دادن زدن به جنبش توطئه ای، سردمداران این حرکت سیاه، دست به تفریق وسیع زده، آشوب به پا خوا-هند ساخت، تا شرایط برای انجام این برنامها از همه جهت آماده شود. لکن ایمن یک روس بگه است. روی دیگر که، تدارک وسیعی است که امپریالیسم آمریکا و یادی و مزدوران و همدستان داخلی اش برای انجام یک کودتای خونین آمریکا می دیده اند و بسیاری انجامش بر روی همین قبیل

۱۵ خرداد را به صحنه یک جنگ برای درکشی و یک توطئه سیاه تبدیل نمایند. از مدتها قبل، زمزمه این توطئه، چه در درون محافل حاکمه و چه خارج از آن بگوش میرسد. گفته اند که "۱۵ خرداد روز تطفیه حساب است"، گفته اند که "۱۵ خرداد در روز چپ کشی است"، گفته اند که "۱۵ خرداد در روز مبارز همدکشی است"، گفته اند که "۱۵ خرداد روز استقرار امنیت کامل (به خوانید سرکوب کامل) است". بهشتی او بگو، و آیت از سوی دیگر، رفسنجانی از یک سو و خا منهای از سوی دیگر، غفاری از یک سو و حجازی از سوی دیگر، همه و همه، بنوعی در سخنرانی ها و رجز خواهی ها - بیان خبر از توطئه شومسی را داده اند. بر استی در ۱۵ خرداد چه میخواهند بکنند؟ چه برنامه و توطئه ای را بر علیه انقلاب و نیروهای مترقی و انقلابی تدارک دیده اند. ۱۵ خرداد در روز تعطیل دانشگاه ها و "ساکت" شدن این کانونهای مبارزاتی است و این خود علامت خطری است که هوشیاری هر چه بیشتری را طلب میکند. نطق های تحر-یک آمیز و تحریک احساسات مذهبی مردم، که این روزها با مبران کودتای ۲۸ مرداد چون فلسفی، صفت بندان مشغولند، زمینه و علامت خطر دیگریست که باید در برابرش

آشوب ها نیز حساب میکنند. رادیوی "صدای ایران"، با صدای شوم کودتا جهان آمریکا-شی، که این روزها زیر عنوان "ارتش آزادیبخش ایران" و "نیروهای رهاش بخش ملی" از خارج پخش میشود، آشکارا خبر از تدارک چنین کودتایی میدهد و فعل و انفعالات درون ارتش و رفت آمدهای مشکوک، تشکل با بنی ساواکیها و سر-ما به داران و زمینداران بزرگ، همه در تاشه این تدارک شوم میباشند. چندی پیش در بسیاری از پادگانها ایران، نامه ای به امضای اویسی جلاد پخش گردید که "نوید" بازگشت وی را می-داد و او حتی بمنظور جلب عناصر "متزلزل" به تمام کسانی که در این دوران با "جمهوری اسلامی" همکاری کرده اند نیز وعده "عفو" داده است. آمریکا و اسرائیل از اتباع آمریکا شی و نزدیکان اسرائیل در جامعه یهودیان ایران خواسته اند تا هر چه زودتر ایران را ترک کنند و دو هواپیمای سوپرسی آماده انتقال آنها هستند. در شیخ نشین ها حرکتات مشکوک زیاد به چشم میخورد و بیک کلام همه چیز بیانگ-دانه یافتن تدارک بسیاری یک تنها سیاه آمریکا شی است. از اینجا میتوان نتیجه گرفت که آشوب و سرکوبی که سردمداران توطئه چنین "حزب جمهوری اسلامی" برای ۱۵ خرداد و با بعد از تدارک دیده اند بطور مستقیم در خدمت چه کمانی بوده و شرایط را برای چه نیروها و برنامه ای آماده میسازد. شک نیست که در میان این سردمداران، افراد بسیار بقیه و مشکوک با آمریکا و یادی داخلی اش در ارتباط بوده، دست در دست هم حرکت میکنند

۱۵ خرداد، یاد آور حماسه قیام ۱۳۴۲ است و آنها-شی که امروز بدروغ خود را وارث این قیام دستاورد ها آن معرفی میکنند، میخوا-هند تا ۱۵ خرداد دیگری را به مردم ما تحمیل گردانند. با بدبا تمام قوا به خنثی کردن این توطئه برخاست.

### "حقیقت"

ارگان اتحادیه  
گه نویسندگانی ایران  
را بخوانید و در  
میان مردم پخش  
کنید.

# بر حمایت خود از کردستان مقاوم ببقایید

بقیه از صفحه اول

جستن از پراکنندگی بی برده؟  
بهر روم با سهم خود از  
همه نیروهای مترقی و انقلابی  
بمنظور ایجاد این قبیله  
کمیتها و سازمانها در فضا -  
لیت مشترک در این عرصه  
دعوت بعمل میآوریم و منتظر  
داریم که پاسخ مساعدی نیز  
بشنویم. با پدیده تمام قوا با این  
نقطه ضعف پایان دهیم.

نقطه ضعف دوم مربوط  
است به مسائل درون کردستان  
آن پراکنندگی که تا مبردم با  
کمال تاسف در کردستان نیز  
پیش میخورد و بدتر از این عدم  
وجود یک سیاست روشن و صحیح  
در ارتباط با محاله کردستان و  
جهت مقاومت و مبارزه خلیق  
دلور کردستان. این پراکنندگی  
به حدی است که چندی پیش  
هزاران نفر از آوارگان  
رانده شده از سقز که فعلا در یو-  
کان به سر میبرند، به همراه  
مردم شهر بوکان تظاهراتی با  
خواست " ایجاد ستاد مشترک"  
برگزار کردند و از نیروهای  
فعال در کردستان خواستار  
ایجاد یک " ستاد مشترک" گرد-  
دیدند. بدین ترتیب میبایستیم  
که مردم خود پیش از هر کس دیگری  
به ضرورت وحدت بی برده و از  
این پراکنندگی به تنگ و بسته  
ستوه آمده اند. متاسفانه برخی  
از نیروهای مبارز و انقلابی  
فعال در کردستان هنوز به این  
ضرورت بی نبرده و به عنوان  
مختلف پراکنده گی را حفظ  
می نمایند که نتیجه ای مگر  
ضعف همه نیروها ندارد. از این  
پراکنده گی بیش از هر کسی در  
درون کردستان نیروهای  
معاظه گر چون حزب دمکرات  
سودی برند و قافله میباشند تا با  
سوا استفاده از این پراکنده -

گی ها اهداف خود را به پیش  
برند. ضروری است تا ستاد  
مشترک همه نیروهای انقلابی  
و مبارز فعال در کردستان هر  
چه سریعتر شکل گیرد و نیرو -  
های پراکنده با برنامهم و  
سیاست مشترکی مقاومت را  
ادا مدهند. بر همین زمینه  
ضروری است تا با آورش و پی  
علاوه بر ضعف یاد شده، ضعف  
دیگر و مهمتری نیز بر دوش  
مبارزین کردستان سنگینی  
نکند، و آن همانا فقدان یک  
برنامه و سیاست روشن در بر-  
خورده با واقع کنونی و ادامه  
تعولات و رویدادها و جنگ  
بقا و متصیباست. عدم وجود  
یک سیاست روشن و واحد و  
همچنین انحرافات گوناگون  
در سنج فاجعه آفرید که در  
جای دیگر و زمانی دیگر  
مطمئنا بدان خواهیم پرداخت  
و خطر آن هست که همین نا -  
بسامانیها در پاره و پاره و بوکان  
و مها با دست زدن و جبهه  
مقاومت از درون دچار رستی  
و از هم پاشیدگی گردد. عدم  
وجود یک سیاست صحیح و واحد  
صرفا به جنبه نظمی محدود  
نشده، بلکه مهمتر از آن عرصه  
های دیگری را نیز در بر می -  
گیرد که ریشه در ضعف های  
گذشته و اعمال سیاست های  
نا درست بخصوص در زمینه عدم  
توجه به مساله دهقانی و ایجاد  
با یگانه های محکم روستائی بر  
اساس تا مین نیازهای عاجل  
دهقانان و معادله و تقسیم  
اراضی مالکان بزرگ و ایجاد  
و تقویت شوراهای دهقانی  
دارد. به هم این مسائل باید  
فوراً رسیدگی شود. رها کردن  
آن به حساب عمده بودن خود -  
(بقیه در صفحه ۵)

وظایف مهم ما در حما -  
یت از مردم کردستان  
است. این وظیفه، که معنای  
جزا زمانندادن پشتیبانی  
سیاسی و عملی از سرداران و  
خواهران کرد خود ندارد، حتی  
از فرستادن دارو و غذا نیز  
مهمتر بوده، باید در رای جدول  
احتیاجات کردستان گذارده  
شود. هما نظریه قبلان نیز یاد -  
آور شده ایم، خدمت به مردم  
کردستان، معنای مکرر مبارزه  
در راه خواسته های به حق آنان  
ندارد و در شرایطی که رسیدگی  
به این خواسته ها و اعلام آتش -  
بس پیش از هر زمان دیگری  
الویت پیدا کرده است، ضروری  
است تا با احقاق این خواسته  
های سیاسی با فشاری هر چه  
بیشتری بنماییم. از این رو  
ضروری است تا در همه مناطق  
و شهرها، " کمیته های مشترک  
دفاع از کردستان" بوجود آید  
و از همه نیروهای مترقی و  
انقلابی بمنظور شرکت در این  
کمیته ها و هما هنگ ساختن  
فعالیت های پشتیبانی از  
خلیق دلور گردد دعوت بعمل آید  
و به این پراکنندگی و غرده -  
کاری پایان داده شود. برخی  
از نیروهای شرکت کننده در  
جنگ مقاومت و سنج، چون  
" تشکیلات پیشمرگه های زحمت  
کشان"، " پیکار"، " رزمندگان"  
و " راه کارگر" در عرصه مقاومت  
در عمل دست به ایجاد یک کمیته  
مشترک نظمی زدند، آیا عملی  
نیست که همین نیروها و مانند  
آنها، در حمایت از مقاومت  
مشترک، کمیته های مشترک  
پشتیبانی نیز بوجود آورند؟  
آیا باید حتماً زیر رگبار خمپاره  
و گلوله بودن به ضرورت فعلا -  
لیت و همکاری مشترک و دوری

علیرقم مقاومت و مبارزه حما -  
یت آفرین خلق دلور کردستان -  
دتها بی حسابی که پیش -  
مرگان قهرمانش در جبهه  
جنگ مقاومت آفریده اند،  
موقعیت مبارزه در کردستان  
دو ضعف اساسی دارد که تا بر -  
طرف نشوند، نتیجه مطلوب به  
دست نخواهد آمد. این دو ضعف  
یکی جدا افتادن کردستان از  
سایر مناطق ایران و دیگری  
موقعیت سیاست های برخی  
از نیروهای درگیر در این  
جنگ میباشند.

هما نظریه پیشتر نیز  
ذکر کردیم، هیئت حاکمه می -  
گوشد تا به هر قیمت که شده یک  
توطئه ارتجاعی سکوت را در  
قبال اخبار کردستان پیش  
برد تا حد امکان از مطلع شدن  
مردم ایران نسبت به آنچه در  
آنجا میگذرد جلوگیری نما -  
یند. هدف معافان حاکم از این  
کار روشن است، آنها می -  
خواهند با خیال راحت هر  
کشتاری را که میخواهند انجام  
دهند و کسی هم از آنها باز -  
خواست ننماید. از این جهت  
مثلا بدو میبایست که  
" هزاران نفر از نما زخمیه  
سنج استقبال کردند، حال  
آنکه حتی دوربین های دروغ  
ساز تلویزیونی شان هم نتوان -  
ست بیش از ۵۰ روزه این  
" جمعیت عظیم" نشان دهد.  
وضع آنها آنچنان ضعیف است  
که مجبورند، از تهران کسانی  
را بعنوان " گروه های تقسیم  
سنج" با نجا بفرستند تا در  
برابر تلویزیون دروغ پر -  
دازی کنند. در هم شکستن این  
توطئه سکوت و جدائی، یکی از

آنقدر شور بود که ...

( بقیه از صفحه اول )

درستی در برابر این همه تعلق گوئی و جا - پلوسی لب به اعتراض گشود و حجازی مکار را مورد شامت خود قرار داد، لکن نخواست

" اما ما " ، " ایمان مدا - را " و کسی که " مصباح " جانش " آنچنان میدرخشد که تاریکی زمان را در هم می پیچد " و کسی که " نوراللة " در " زجاجه پیشانی بلندش میدرخشد " و " سلیمان زمان " و " داود عمر " و کسی که " ایسران " برای حکومتش " تنگ " است و خدا وعده حکومت بر جهان را به او داده است و " زیتونه مبارکه " و " پارسای شب " و " شیر روز " مخاطب قرارداد و چنان محنه نفرت آوری از نوکومنتی و تعلق گوئی بهار آورد که همه فهمیدند . فخر - الدین حجازی ، " نماینده اول تهران " ، یکی از عوامل اجلی تحریک مردم بر علیه نیروهای انقلابی و جلادها - فران افغان ، سابقه و پیرودهای سس سیاه دارد و در گذشته نیز در برابر شاه همین تعلق گوئی ها را میکرد و اینها را نیز در همان مکتب سنگین آموخته است .

تا کار را از حدیک " گله " بالا تر برد و به اساس این نوکومنتی که ریشه در ما هیت هیات همیشه حجازی و حجازی ها دارد روبرو خورد نمایان و در عوض از حجازی بعنوان " ناطقی زبردست " و " مسلمان متعهد " نام برد . اما این " مصلحان متعهد " که جز تحریک بر علیه نیروهای مترقی و انقلاب ، جز رجز خوی - نی ، جز تعلق گوئی و نوکر - منشی ، کاری بلد نیستند و سابقه اش نیز در خدمت به رژیم شاه سیاه میباشد ، چه " تعهدی " دارد و " تعهدش " به چه کسی است ؟ چگونه می - توان این نوکر را که در زمان شاه نوکر دربار بود " متعهد " نامید . تعهد او به مقام و مهر کسی که قدرت را در دست دارد ، خلاصه میشود و در همه حالات موجب کبریا میریالیسم آمریکاست . گله کردن از چنین اشخاصی کافی نیست ، باید دستور دستگیری و محاکمه و مجازات فوری آنها را صادر کرد .

از این محنه های نفرت آور که بگذریم ، آیت الله خمینی در سخنان خویش در این دیدار ، تا کبدر با سیر همان غطی گذاشتند که مدتی است پیگیرانه دنبال می - کنند . " وحدت " ، " وحدت مجلس و دولت " ، " وحدت دولت و مجلس " ، " وحدت رئیس جمهور و مجلس " ، " وحدت نمایندگان مجلس " ،

این خط که میکوشد همه جناح - ها و محافل مختلف را کمره را بگردیک " توحید ناب " متحد گرداند ، در عمل مصالح انقلاب و مبارزه خدا میریالیستی جاری را فدای " حفظ وحدت " میان جناحهای مختلف حاکمه گردانیده ، به حساب راضی نگه داشتن همه جناحها ، همه ملت ایران را تا راضی میکنند . مجلس نمایان دولت را " تضعیف " کند و دولت هم نمایان مجلس را " تضعیف " نماید ، اما اگر هر دوی اینها مبارزه بزرگ ملت ما را بر علیه امپریالیسم آمریکا " تضعیف " نمایند ، چه این " وحدت " ها به سود چه کسی است ؟ آیت الله خمینی از " تفرقه " و " نفاق " بی - زار است و آنرا در خدمت آمریکا میداند . حال آنکه آن کسان - نی که امروز به " وحدت " دعوت شده اند ، خود بزرگترین تفرقه افکنان در میان ملت ما هستند و وحدتشان نیز جز ضرر هیچ به مزاج نخواهد داشت . مردم ما خواهان یک وحدت فدا میریالیستی انقلابی ، هستند ، نه وحدت میان سازشکاران و ضد انقلابیون . از این گذشته ، آن وعدتی که امروز از جانب آیت الله خمینی طلب می - شود ، در عمل هیچگاه برای مدتی طولانی تحقق نخواهد یافت ، زیرا در شرایط حساس کنونی کشور را منته کشاکش درون محافل حاکمه آنقدر بالا گرفته است که هر وحدت و " یکدلی " گذرا بوده ، به محض رودر روشی با مسائل جدید ، که هر روز آزار می - رسد ، از هم پاشیده خواهد شد . در جریان حمله نظامی آمریکا نیز اعضاء " شورای انقلاب " از سوی آیت الله خمینی به " یکدلی " دعوت

شدند ، لکن یکدلی شان چند روزی بیشتر با پادار نماند . این ناپایداری ، ناشی از عدم ثبات هیئت حاکمه ، ناشی از قسطنطنیه شدن تفوق یک نیرو بر نیروهای دیگر و با لاف نماندن ناشی از جایگاه متزلزل مجموعه این نیروها است . " وحدت " این زمانه سی تا مین میگردد که یکی بر دیگری تفوق کامل یافته ، رای خود را به آنها تحمیل نماید و این کار نیز با لجا را از درون یک مبارزه حاد حاصل توانند و نه از طریق " بحث های سالم اسلامی " . این منطق مبارزه طبقاتی است و آنکس که آنرا با ورنه دارد ، کافی است تا با چشمانی باز به رویدادهای چند هفته گذشته بینگردد ، تا حقیقت را دریابد . همین نمایندگان که این سخنان را از آیت الله خمینی شنیدند ، روز بعد اکثر اعلام کردند ، که این رهنمودها بمناسبت " عدم فراگسیون در مجلس " نبوده و با لافره میان " اقلیت " و " اکثریت " کشاکش خواهد بود . پس این وحدت طلبی ها نه تنها سودی به حال ملت ما ندارد و جناح های سازشکار و فدا انگاری را کنگر یکدیگر ردیف کرده و از نیروهای مترقی و فدا میریالیست نیز می طلبد تا با اینان همسر - یستی نمایند ، بلکه واقع - بینانه و عملی نیز نیست و در عمل صرفا مردم را خام کرده ، تصویریک رژیم " متحد " و ثبات یافته را در شرایط بی ثباتی کنونی عرضه میدارد و آنها را از مبارزه برای برانداختن نیروهای سازشکار و ضد انقلابی بر حذر میدارد . \*

برحسب خود از .....  
مختار رویا ماکول نمودن آن به کسب خود مختاری ، سیاسی غلط و نارواست . تجربه ایجاد " بنک ها " در سنجیدگی و مقابله و هماهنگی این بنک ها ، فقط نمونه کوچکی از دستاورد های یک سیاست اصولی است . این نمونه اگر به ما بی نقاط و بخموس رویتاها منتقل شود ، دژی را خواهد ساخت که تخیل نشدنی است . ما به سهم خود از همه نیروهای انقلابی فعال در جنگ مقاومت کرد - ستان می طلبیم تا هر چه سریعتر به ایجاد " ستاد مشترک " اقدام و روزندوبی یک بررسی همه جا شبه از تجربیات مثبت و منفی یکسال گذشته ، بسک سیاست اصولی و همه جا شبه را در پانگوشی به نیا زهای عاجل جنبش در کردستان و همچنین ادامه مقاومت و ایستادگی طرح ریزی نمایند . \*

## توطئه علیه معلمین مبارز و آگاه را درهم شکنیم

آموزش و پرورش استان پریده که "در تمام مناطق جا سوس گذاشته اند و حسابی معلمین فعال شناخته شده اند. چندین و چند بخش ما در باره جلوگیری از فعالیت انقلابی دانش آموزان ما در غده است.

معلمین و دانش آموزان مردم مبارز گیلان، ارتجاع و فدا انقلاب دست در دست هم به ما بودی تمامی دستاوردهای انقلابی خلقهای مان مشغول اند. با افشای دسیسه های آنان و با صفوف منظم و متشکل خود متحن در برابر این برنامهای ضد انقلابی بایستیم.

مرگ برتر فرقه اندازان - مرگ بر ارتجاع، تنگ برمازش - کار - امپریالیسم ناب - است، انقلاب پیروز است! رهروان راه "حقیقت" - گیلان ۱۳۵۹/۲/۲۸

در پاسخ یکی که پرسیده بود معلمین امتحانات نهایی چهارم را تقبل نمی کنند که برگزار کنند گفته است که "به درک که نمیکنند، می دهیم به معتمدین با زار که برگزار کنند."

"لطفی" که در فومسین مشول آموزش و پرورش است گفته که با بد معلمین "چپ" را که بد آموزی میکنند محاکمه کرد و بزدان انداخت. رئیس منطقه آموزش و پرورش رشت راهم که "دستوری" مبنی بر معرفی چند معلم فعال و مترقی را رعایت نکرده است تا ز کار برکنار کرده اند. انعامی در پاسخ این که ۷۰ نفر معلم در تحمین بمر میزنند گفته "گور پدر ۷۰ تا از این اعتمادی ها، نمی خواهیم، اطلاعاتی ها را نمی خواهیم" و از ذهن رئیس کل

بندهای از آموزش و پرورش کل (وزارت - خانه) در جلسه حضور داشته اند. اول برای ارباب روسای مناطق از جلوی درب ورودی تا اطاق کنفرانس سه بار اینها را با زرسی کرده - اند و دوم اینکه استانسدار، کریمی و دوسه نفر دیگر از نزدیکان آنها همگی مطلع بوده اند و سه چهارم اربابسدار مطلع هم در اطاق بوده است. موضوع صحبت تمام و کمال راجع به چگونگی جلوگیری از فعالیت های انقلابی معلمین و معلمین بوده است، در پی صحبت های ظاهرا "آموزشی"، استاندا گفته است که تمام نطفه های "کشافات فدا انقلابی" از مدارس است و همسایش هم تقصیر دانش آموزان نیست معلمین هم مقصر هستند. حتی

روز سه شنبه شانزدهم اردیبهشت ۵۹/۲/۱۶، جلسه ای در استاندا ری گیلان (رشت) برگزار گردید، در این جلسه استاندا ری (انعامی) و کریمی دانشتان (فرماندا ریست نفت بدست سابق لاهیجان) و یک آخوند بنام "حسینی" از گردانندگان اصلی معنیه بودند.

مدیر کل آموزش و پرورش استان گیلان، بهمن رهنما، (تمامی مدارک وی نال برای آنکه چگونه قبیل از قیام، حرکت معلمان را با حکم رسمی سرکوب نموده است، موجود است.) به ملاوه کلیه روسای آموزش و پرورش مناطق استان گیلان و کویا نما -

و پس از بازگشت هیئت اعزامی موی مویکول شود. وفعلات تحمین با مهلتی یک هفته ای به مقامات مشول تا حصول نتیجه شکسته شده است.

ما ضمن حمایت از خواسته های خانواده های زندانیان سیاسی مبنی بر آزادی فوری دستگیرشدگان و قایع خونین دانشگاه گیلان از کلبه کارگران، دهقانان، زحمتکشان، دانش آموزان، دانشجویان، افراد و نیروهای مترقی و انقلابی می - خواهیم که خواست آزادی فوری زندانیان سیاسی دانشگاه گیلان را با تمام مکانات تبلیغاتی و افشاگرانه خود و برای جلب حمایت بیشتر، بگوش مردم مبارز گیلان خصوصاً رشت برسانند.

زندانیان سیاسی دانشگاه ما با پدازا دگردند!

## زندانیان سیاسی دانشگاه باید آزاد

### گردانسی

برای آزادی زندانیان به عمل آمداحاطی عاید نشد. به همین علت از طرف خانواده های زندانیان سیاسی دانشگاه از روز سه شنبه ۲۷/۲/۵۹ در محوطه دادگستری استان گیلان اعلام تحمین شد. در این روز پس از ملاقات با مقامات دادگستری استان قرار شد که هیشتی ۶ نفره (۲ نفر نما - بنده خانواده زندانیان سیاسی - ۲ نفر از استادان دانشگاه گیلان و ۲ نفر از روحانیون) برای مذاکره با بنی مدرسه مرکز بیرونند. بر طبق این قرار چون عزیمت این هیئت بعد از ظهر همین روز صورت میگرفت تصمیم گرفته شد که تحمین با عذم انجام تحمین با توجه به نتیجه

پس از بیورش وحشیانه جماعتاران حزب جمهوری اسلامی به رهبری بانده سر - کویگر غفاری سانصاری - کریمی به دانشگاه گیلان، عده زیادی از افرادی را که طی این بیورش دستگیر شده بودند، علی رغم اعتراضات مردم مبارز رشت، استادان، دانشجویان و خانواده های زندانیان سیاسی به زندانهای قزوین و اوین اعزام کردند. این عده که ظاهرا تعدادی از آنان ر دو باره به رشت انتقال داده - اند هنوز در بندند و آبنده و سرنوشت آنان روشن نیست و با اینکه چندین بار با لاهوتی نما بنده اما در استان گیلان

آمریکاست! رهروان راه حقیقت - گیلان ۱۳۵۹/۲/۲۷

فلاحی، مزدوری که... گذارند، همانها می هستند که در طی انقلاب مردم ما پیش از ۷۰ هزار رگشته و ۱۰۰ هزار زخمی بجای گذاشتند. و امروز در سراسر ایران مشغول توطئه هستند تا زمینه را برای یک کودتای ارتجاعی فراهم کنند و حتی به کسی که امروز به حمایت از این فر - ماندها ن برخاسته اند نیز رحم نخواهند کرد. تکیه بر این ارتش و فرماندهانش، حکم گرفتن چاقوا زلبه تیزش را در دهان آنها را شید و با ارتش کنونی هیچ چشم ندانسته باشی

**کمکهای مالی خود را به هر طریق ممکن ارسال کنید**



اگر خدای نا کرده یک روزی پادگانی سقوط کند و لیبین مدعیان ما همین گروه خواهند بود" .... به همین دلیل امروز دعوت کردیم و گفتیم برای دریلندشو و

داشته اند اردیبهشت ۵۹/۲/۱۶ جلسه ای، روسای متاع - دراستاندا **فلاحی، مزدوری که** ... برگزا

برویا نه که پادگان در آستانه سقوط است تا فردا جای گله - گزاری نباشد. عجبا، برای جلوگیری از گله گزاری است که سربازان "متمهد به اسلام" را به جنگ علیه خلق کرد می - فرستند. آنهم چگونه، با سلاحی سبک، که ظاهرا برای حفظ جان خود سربازان را برود، سربازانی که در قیام مردم شرکت کرده اند، بدانند که اینها همه اش تو - طشه است، تو طشه ای که با بجان هم انداختن مردم علیه مردم و بویژه سرکوب مبارزه بحق خلق کرد توسط شما، میخواهد ارتش را از نیروهای بقول خودشان مزام تصفیه نمایند تا دستهای متشکل ارتجاعی ارتشیمان را حفظ نموده و برای انجام یک کودتا آماده نمایند، اینان با یک شهردونشان میزنند، یکی جا معه را به اغتشاش می کشانند و مردم را بجان مردم می اندازند، و دوم وجود شهروندیهای مخالف آمریکا و نظام شاهنشاهی ارتش کنونی با اصطلاح اسلام آورده راحت می شوند و در موقع لزوم نیروی خود را بیرون کشیده و حساب شکستی را که در قیام ۲۲ بهمن ۵۷ خورشیدی در قیام می کشند، این است هدف فلاحی های مزدور.

بنی صدر زمانیکه هم - ایران و سربازان میهن پرست دست به تحمیل زده و خواهان تصفیه ارتش از فرماندهان آمریکائی شدند، همراه با تهدید و اکتیفا تو مقول پاک - سازی ارتش را داد. از آن زمان

روز سه شنبه شانزدهم اردیبهشت ۵۹/۲/۱۶ جلسه ای، روسای متاع - دراستاندا **فلاحی، مزدوری که** ... برگزا

جبهه جنگ تحمیلی بر علیه خلق کرد، آنان را که مزار - حمت هاشمی برای بازسازی ارتش شاهنشاهی و آمریکائی بوجود می آورند، سربینه نیست نما بند، البته آقای فلاحی منکر چنین تو طشه ای می - باشند و با بدهم با بد هم باشند. تو - طشه گر که به تو طشه خود اذعان نمی کنند، ولی علیه مردم می توجیهات سرشیب مزدور، جوانها می کشند که ایشان به غیر - نگار که ایشان داده است، خود گواهی است بر این مدعا.

فلاحی در باره این گروه مخالفان چنین می گوید: "این گروه در یک حالت تملیق، مدتی هستند، نه واقعا عضو سازمان سیاسی ایدئولوژیک هستند که خدمتی انجام میدهند و نه عملا میروند سرکار سازمانی خودشان که کارکنند، این وسط می - چرند و این گروه تعدادشان هم خیلی زیاد است."

البته در قیام موسس پلیس و آمریکائی آقای فلاحی "چریک سربازان" یعنی این که عده ای از سربازان مواظب رفتار و اعمال ایشان هستند تا جلوی کودتای آمریکائی را که ایشان در کفایتها بر - فرماندهان در پی انجام آن هستند بگیرند، حال چرا این عده را میخواهند بنده با ن - بفرستند، فلاحی چنین می - گوید: "اولا اینکه یک کاری انجام میدهند (که واقعا دلیل مهمی است!!) دوم اینکه

تا بحال نزدیک به ۳ ماه می - گذرد و هیچ اقدامی هم در این زمینه نشده که هیچ، بلکه کسانیکه با پادگان ارتش تصفیه شده و دستگیر و مجازات شوند، یعنی کمترین ولیبرالیترین خواستی که ممکن است از دولت کنونی انتظار داشت، امروزه جای پای خود را محکم تر کرده - اند، فلاحی با وقاحت کامل یک ارتشی شاه پرست اعلام میکنند که "در زمینه افسران و درجه - داران تصفیه کامل شده است اما در زمینه سربازان زکتمی شود تصفیه کرد." (کیهان ۳ خرداد ۵۹) می بینید با کمال پروری می بروی مردم تف می اندازد، از خواست لیبرالی وساده - لوحانه پاکسازی ارتش از فرماندهان مزدور، پاکسازی سربازان را منظور دارد، آری افسران و درجه داران مدتهاست پاکسازی شده اند و اصولا از زمان محمد رضا شاه خاشن پاکسازی شده بودند، و برای فرماندهان آمریکائی و شاه - پرستی چون فلاحی پاکسازی نیز جز پاکسازی نوع آزما - مبری معنا نمی ندارد، چون هر درجه دار و افسر میهن پرستی که در عرض ۳۰ سال گذشته پیدا می شد فوراً بزندانها راه می - یافت.

اگر قرار است ارتش پاکسازی شود همین فلاحی ها و شامپوها و باقری ها، دشمنان قسم خورده مردم هستند که باید پاکسازی شوند، خود فلاحی که در زمان طاغوت آنقدر میبورد اطمینان بوده که نمیتوان یکی از فرماندهان ناظر بر "چریان صلح" در وقتنا از سوی شاه خاشن انتخاب شده بود می - بست دستگیر و اعدام شود، همین فلاحی هائی که به مدستی ظهیرنژادها فتودا لها و مسر - نجمین کردستان را ملحق کرد، دهاندا مبارزه بحق خلق کرد را سرکوب نمایند با بست دست - گیر و مجازات کردند، ولیکن

دولت کنونی که ملقمه است از جناحهای باقیمانده رژیم گذشته و جناحهای از بورژوازی ملی و بقدرت رسیدگان حریص نوپای بورژوا و مالک و روحانی، تماما می اینها روی همین ارتش و فرماندهان کنونی اش حساب میکنند تا قدرت گذاشتن را حفظ کنند، روی همین ارتش که پایه پای آمریکا ای جناحتکار طرح حمله طیس را سازماندهی کرده است تکیه میکنند، و این است معنی سازشکاری دولت مردان کنونی که خود جا روکش ارتجاع و امپریالیسم شده اند و با دست خود کمک میکنند تا آمریکا ای جناحتکار طرح یک کودتای ارتجاعی را فراهم نماید.

در اینجا این راهم بگوئیم که اخیرا "سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی" از جمله مخالفین فلاحی شده است و از جمله انگشت روی این تو طشه فلاحی و همردیفانش گذارده است، ولیکن بغاطر تمصب کور و قشری حاکم بر این جریان اشتقاقشان از این گرگ صفتان ارتشی بیشتر از زاویه ای مطرح میگردد که چرا هواداران ایشان را با سلاح های سبک به کردستان می فرستند، عناد کوری که این جریان با مبارزات بحق خلق کرد می - ورزد، با لطمع فلاحی ها را نیز متحدشان میکند، و اجازة نمی دهد که آقایان بفهمند چگونه بعضا به گوشت دم توب فرماندهان ارتجاعی ارتش واقع شده اند که بر علیه خلق کرد و مبارزات بحق آنان یکسار گرفته میشوند.

مردم ایران، سربازان مردم دوست و کسانیکه علاقه به سرنوشت ایران و توده های محروم خلق ما دارند، بدانید که رهبران این ارتش همان هائی هستند که روزخونین ۱۷ شهریور را از خود بجا می گذا - (بقیه در صفحه ۶)

مزدوری که در فکر کودتاست!

مما حبه اخیر فرما ننده نیروی زمینی، سرتیپ فلاحی که در روزنا مه کیهان ۳ و ۴ خرداد منتشر شده است، یکبار دیگر تابت میکند که فرما ننده هان طاغوتی و نوکر آمریکسا در عین تحکیم مواضع خود در نظام جمهوری اسلامی در پی ایجاد زمینه های آشوب و اغتشاش هستند تا آمریکسا چنان بتکا ربتوانند در موقع مناسب دست به یک کودتای علیه انقلاب و انقلابیون بزنند و تسلیم برای "رضتایم" در "غرب" میزند. فکر میکنم و بعضی راه گلویم را میبندد، آخر ارتجاع جبهه نیرو در ا موضی گرفته است. چشما نم مرطوب میشود، آخر دولت انقلابی نیرو در علیه "سرب جهان" را با "غرب خانه مان" عوضی گرفته است. من اینجا نشسته ام، فکر میکنم و مینویسم. فکر میکنم، "دیوان سپید" (۲) غرب آسوده اند، زیرا "دولت" ما بیدار است. و حیرت میکنم زیرا، ملت ما "غرب جهان" را میگوید و دولت ما غرب خانه خودمان را. فکر میکنم، مدها کیلومتر دورتر از "انجا" نشسته ام و فکر می کنم. آخر دیشب اخبار غرب خانه را شنیده ام. میگویند: در غرب خانه مان، آب نیست، نان نیست و لسی بجای آن انواع کالیبرها هست از ۹ تا ۷۵. دارو نیست ولی بجای آن، راکت است و خمپاره. فکر میکنم و فکر میکنم، به رفقای "رحمتکم" فکر میکنم. به آنهایی که "مرگ" خویش را "پیش" انداخته اند. ناگاه صدایی میآید: آنا اجازه؟ به سوی او میروم، آغاز انشایش را نشان میدهد. با نگاه میبهرسد؟! اشکالی دارد؟ آخر، انشایش را آغاز کرده است با:

”بنام خلق دلاور کرد“

۱- با یک

(۱) زندگی کن کرد و کردستان

(۲) اشاره ای به شعر "مجسه آزادی" از نعمت میرزاده.

زندگی کن

کرد و کردستان

شمر زیر توسط یکی از رفقای معلم به یاد خلق دلاور کرد سروده شده است. سراینده شعر برایمان نوشته که آنرا سرچلسه امتحان انشاء بچه ها و به یاد خلق قهرمان کرد و همه پیشمرگه ها پیش سروده است. با تشکر از این رفیق عزیز و به یاد قهرمانی های مردم کردستان، این شعر را چاپ میکنیم.

\*\*\*

به خلق دلاور کرد، به همه پیشمرگه های قهرمان، به پیشمرگه های زحمتکشان!

بژی کورد و کوردستان (۱)



من اینجا نشسته ام و مینگرم نوجوانانی را که با هزاران هزار آرزو نشسته اند، و هزاران هزار ستاره در دلهای پر امیدشان برق میزند.

من اینجا نشسته ام و مینگرم بنیاد آموزشی را که در آن هر تنه ای را میبینی به جز نه "انقلابی"

جوانانی را که سرب "برگه های" خویش دارند و گاهی ته قلم هایشان را میچوند.

من اینجا نشسته ام و مینگرم

در حال نگرینستن به فکر فرو میروم.